

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه زینبیه (سلام الله علیها) فارس

عنوان مقاله

راهکارهای ارتقاء فرهنگ شهادت طلبی در جامعه

پژوهشگران:

فتانه رحیمی

فاطمه بهرامی

زهرا اکبری

زمستان ۹۳

چکیده :

شهادت پر بارترین واژه ای است که از شکوه خاصی برخوردار است، نموداری از تکامل ایمان، عمل صالح و مقاومت است کلمه ای که به تنهایی فرهنگی گسترده دارد که هر سطر و جمله اش گویای بعد والایی در حیات بشر است کشور ما نیز با توجه به همین مسئله توانست از فرهنگ شهادت طلبی بهره برده و در هشت سال دفاع در برابر قدرتهای بزرگ استقامت نمایند. صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که میشود پس از چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود حضرت علی علیه السلام جامعه عمل پوشاند که فرمود: با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. پس میشود سیره جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد به شرط آنکه با عمل باشد.

کلیدواژه: شهادت، ایمان

درحقیقت پرمحتواترین عنوان در راستای تکامل انسان، از دیگاه متون اسلامی، عنوان شهید است، چنان که در روزگار انقلاب و کوران جنگ این واژه رایج ترین و حماسه ترین واژه است و به همراه آن شعاع تابناک و گسترده ای از عشق و شیدایی، ایثار و توانائی و بالاخره شور و ایمان راستین جلوه گر است.

در زمان ما مبارزه با مرض، مبارزه با فقر، مبارزه با جهل اصطلاح شده و اعمال مقدسی نامیده می شود ولی البته هیچ کدام اینها به پای مبارزه با جهل مردم و با ظلم نمی رسد که فدا دادن لازم است و شهید با قطرات خون سرخ و زیبایش راه اصلی انسانها و خط اصیل سعادت بشر را علامت گذاری می کند تا رهروان، در وسط راه گم نشوند بلکه از پی او با نشانه به پیش بروند و به سعادت ابدی دست بیابند.

حقیقت شهادت

شهادت پربارترین و عمیق ترین و بلقوه ترین واژه ای است که از قداست، شکوه، نورانیت و جذبه والای خاصی برخوردار است و با بارغنی و محتوای عمیقی که دارد: نموداری است از تکامل ایمان و عمل صالح و مقاومت و شناخت و مبارزه و جهاد کلمه ای که به تنهایی، فرهنگی گسترده دارد که هر سطر و جمله جمله اش گویای بعد والایی است در حیات بشر. فرهنگی که از مبدا تا حیاتش از حضور، نظارت، آگاهی، انتخاب، هوشیاری و دقت، روشندلی، روشنگری، تسلیم و رضا، توکل، ایثار، تقوا، عبودیت و ایمان نغمه سرایی می کند. (مردانی نوکده، ۱۳۸۴: ص ۹۵)

در حقیقت، شهادت خون دوباره ایست که به کالبد نیمه جان جامعه وارد می گردد. خون این نهضت خلیفته اللهی در نظام اجتماعی به عنوان گویاترین و مؤثرترین کامل تبلیغ صدق و صفا، حق و حقیقت، آگاهی و سازندگی خواهد بود. از این روز که امام علی علیه السلام بعد از شهادت محمد بن ابی بکر به عبدالله بن عباس مینویسد: «به خدا سوگند، اگر علاقه من به هنگام پیکار با دشمن در شهادت نبود و خود را برای مرگ در راه خدا، آماده نساخته بودم، دوست می داشتم، حتی یک روز با این مردمی که محمد بن ابی بکر راتنها گذاشتند، روبرو نشوم»

این، چه عشقی است که امام اول شیعیان حضرت علی علیه السلام این گونه از آن تعبیر می کند و آن را بزرگ و مهم می داند. مرحوم استاد علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می گوید:

«شهادت، یکی از حقایق قرآنی است که در مورد متعدد یاد شده، دارای معنای وسیعی است، حواس عادی ما و نیروهای وجودی ماتنها صورت افعال را تحمل می کنند. حقایق اعمال و معانی نفسانیه، کفر و ایمان، شقاوت و سعادت، خیر و شر، حسن و قبح و آنچه از دسترس حس، مخفی است و تنها با قلوب کسب می شود اینها از دید انسان خارج است که نه بر آن احاطه و نه از آن احصاء است؛ برای حاضرین چه رسد برای غائبین اما شهیدان به ادراکی می رسند که بر اینها اشراف و از اینها مطلع و در کنارشان حضور دارند»

مجدوعظمت والای شهیدان، همواره تجلی بخش حیات امتهای بوده است. تاریخ شهادت، تاریخ عقیده و جهاد و تمسک به اصول و مبانی اعتقادی است. اگر خون شهیدان نبود، که شجره طیبه رسالت را سیراب نماید، نه از اسلام خبری بود و نه از مکتب توحید بخش الهی اثری. اگر شهادت در کربلا و نهضت خونین عاشورا نمی بود، این اخلاص و دوستی که میلیونها انسان از صمیم قلب نسبت به اهل بیت پیغمبر پیدا کرده اند؛ به وجود نمی آمد. شهیدان جانهای خود را فدا کردند، جان بر کف نهادند، اما دینشان را از دست ندادند. تنها هدف آنها، اطاعت از ندای حق و اهیلای دین الهی بود. انسان تازمانی که در حصار مادی خود و زمانش فرو رفته باشد، نمی تواند دم از منطق شهید بزند. چرا که او را در حریم این معنا راهی نیست، مگر به عشق. بنابر گفته ی استاد بزرگوار شهید مرتضی مطهری:

«منطق شهید را با منطق افراد معمولی نمی شود سنجید. شهید را نمی شود در منطق افراد معمولی گنجاند. منطق او بالاتر است. منطقی است، با منطق عشق...» (مردانی نوکنده، ۱۳۸۴: ص ۹۸-۹۶)

تعریف شهید و شهادت:

«شهادت، فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نورو نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت، مرگی از راه کشته شدن است، که شهید آگاهانه و بخاطر هدفی مقدس و به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» انتخاب می کند. از عبارت فوق چنین نتیجه می گیریم، که هر مرگی نمی تواند شهادت باشد اولاً، باید این مرگ با کشته شدن باشد و ثانیاً، این کشته شدن هم دو شرط اساسی دارد، تا شهادت بر آن ابلاغ گردد: ۱- آگاهانه باشد ۲- فی سبیل الله باشد.

آگاهانه بودن به این معنا است که انسان خود با بصیرت، انتخابگر این نوع مرگ باشد. شرط آگاهانه بودن، آن است که شهید، حق و باطل زمان خود را بشناسد و زیر لوای حق، در رکاب «امام زمان» خود، علیه باطل بجنگد.

کلمه شهید در لغت، به معنای «گواه» است، و در اصطلاح به کسی که در راه خدا کشته شده باشد، اطلاق میگردد. در اینکه چرا به کشته شده ی در «راه خدا» شهید میگویند، وجوه مختلفی بیان گردیده است که در کتاب «لسان العرب» آمده است:

در تفسیر مجمع البیان، در ذیل تفسیر آیه «ان لا خوف علیهم ولا هم یحزنون». می گوید: مراد از اینکه به شهیدان بشارت می دهند که بیم و اندوهی برایشان نیست، این است که از گناهان گذشته خوفی ندارند، زیرا خداوند گناهانشان را با شهادت پاکی می سازد و از جدایی دنیا، اندوهناک نیستند، زیرا از لقاء آخرت بی اندازه خرسند و شادمانند.

به شهادت «فوز عظیم» گفته شده است، چرا که شهید با شهادت خود به هدف نهایی که لقاء پروردگار و مقام در جوار حق (عند ربهم) باشد، رسیده است. و در این مسابقه ی نهایی، پیروز شده و بعد از مسابقه ی نهایی، دیگر آزمایشی نیست. حضرت علی (ع) می فرماید: «تحقیقا مرگ طلب کننده ای است با شتاب، ایستنده از چنگان مرگ نخواهد رفت و فرار کننده از مرگ، آن را ناتوان نخواهند نمود. راستی که گرمای ترین مرگها، کشته شدن - در راه خدا - است. سوگند به آنکه جان پسر ابوطالب در دست اوست که هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر از مرگ بریستر است.» (همان ۱۱۷-۱۱۹)

انگیزه های شهادت طلبی و چرایی شهادت

«به طور خلاصه می توان انگیزه های شهادت طلبی را این گونه شمرد:

۱- رسیدن به تکامل و جاودانگی

۲- معامله سودمند با خداوند (تقدیم جان در برابر بهشت).

۳- اطاعت از خدا و رسول و اوالامر.

۴- کمک به مستضعفین، برپایه عدالت و آزادی و رفع و ظلم و فتنه.

۵- رسیدن به مقام والای شهادت، که والاترین نیکویی هاست.

۶- پالایش روح و آموزش گناهان و نظربه وجه الله، پیوستن به لقاء الله و تقرب الی الله.

۷- امر به معروف، نهی از منکر، احیاء اشاعه ی سنتهای الهی، قبولی در امتحان الهی، ذلت ناپذیری و ایثار در راه ارزشهای متعالی.

۸-الگوسازی برای جامعه از طریق حماسه آفرینی، تحریک عواطف و احساسات برای ترویج حق طلبی، انجام مسئولیت اجتماعی و حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه.

۹-تزریق خون تازه به پیکراجتماع و تقویت روحیه انقلابی در احاد مردم .

۱۰-انتخاب بهترین و هنرمندترین و زیباترین نوع مردن .

۱۱-حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله که بستر شهادت طلبی است و ادای تکلیف.

۱۲- سیر و سلوک معنوی و طی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنای فی الله و اثبات عشق حقیقی به معشوق.

(فرهنگ شهادت، یعنی اعتقاد به زندگی دوباره، اعتقاد به عدالت خداوند اعتقاد به آزادی و سرافرازی و...

معتقد به شهادت، هرگز تن به ذلت نمی دهد و برده کسی نمی گردد و همواره خود را بنده و محضر خداوند میبیند. وقتی انسان در دیدگاه وحی رشد و باور پیدا کرد که شهادت در راه خدا سود بزرگی است، بایقین به شهادت قیام می کند و به انبوه سپاه دشمن می تازد. چون از مرگ نمی هراسد و به زندگی پس از مرگ یقین دارد.

امام حسین(ع) در نامه ای به بنی هاشم نوشتند: «پس از ستایش پروردگار، همانا هر کس به من پیوست شهید خواهد شد، و هر کس به راه من در نیاید پیروز نخواهد گردید».

یعنی، بایقین قیام کرده ام و می دانم که آن یزید خون مرا میریزند. اما راهی جز شهادت و شهادت طلبی وارد میدان مبارزه شود که برای پیروزی راهی جز شهادت باقی نماده است.

امام حسین(ع) در قیام عاشورا، توانست فرهنگ شهادت طلبی را زنده کند. و رنگ جاودانه زند که تا قیام قیامت هر آزادی خواهی بایاد حماسه عاشورا در خط خون و قیام و عزت و اقتدار فریاد میزند.

«الموت اولی من رکوب العار؛ مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است» (همان، ۱۲۳ و ۱۲۲)

علاقه به شهادت:

«شهادت، شریف ترین نوع مرگ ها است، رستگاری قطعی و کمال مطلق انسان است و قرآن از آن وبه فوز عظیم یاد کرده است. مرحله ای است که انسان به وصال معشوق، نائل می گردد و در جوار او، ماوی می گزیند «عند ربهم» و از همه عطاهای الهی متنعم و بهر مند می شود «یرزقون» مرحله ای است که در آن با نمایش زیباترین شکل رسیدن به معشوق، روز هجران و شب جدایی از محبوب، پایان می پذیرد و عاشق روسفید و سربلند، بایثار جان خود به وصال معشوق نائل می گردد.

آری، شهادت رستگاری قطعی و کمال مطلق انسان است و نائل شدن به آن، رسیدن به خورشید و آخر شدن پریشانی شبهای تار و دراز و پایان غربت انسان و غم های دل اوست و درست است که مرگ، انتقال از این دنیا، و لقاء خداوند است، ولی همان گونه که گفته شد است: شهادت از نوع لقایی است که عاشق، درک محضر معشوق را می کند و میان او و معشوق، پرده و حجابی نیست، برخلاف مرگ کفار که میان آنها و میان خداوند، حجاب است و برخلاف بسیاری از مرگهای طبیعی دیگر که باز میان آنها و خداوند، حجاب است.

ولی مرگ به شهادت همان است که پیامبر فرمود: «ان ینظر فی وجه الله» یعنی، شهید وجه الله نظر می کند. و معلوم است، که انسان هر چه بیشتر عاشق خالق باشد بیشتر آرزوی این مقام و مرتبه از کمال را می کند و آنمه که کاملترین انسانها هستند، یکی از دعاهایشان، آرزوی شهادت است. «نکته ی دیگر اینکه، شهادت عالی ترین مرحله ی تکامل عملی انسان است، ولذا در میان اعمال، جایگاه خاصی دارد، بطوری که بالاتر از هر نیکی، نیکی هست، خبر شهادت در راه خدا که بالاتر از آن، نیکی ای نیست.

اکنون به خوبی قابل درک و احساس است که چرا خداوند، زنده بودن را با آن همه تاکید به شهدا، تخصیص میدهد

و جایگاه آنها را «عند ربهم» بیان می کند و آنها را در ردیف انبیاء و علما، قرار میدهد» (همان، ۱۲۱ و ۱۲۰)

نتیجه گیری:

تمام کسانی که به بشریت خدمت کرده اند حقی بر بشریت دارند، از راه علم یا صنعت و هنر یا اکتشاف و اختراع و یا حکمت و فلسفه و ادب و اخلاق و از هر راهی، ولی هیچ کس به اندازه شهدای راه حق بر بشریت حق ندارد و از همین جهت هم عکس العمل بشریت و ابراز عواطف بشردر باره آنها بیش از دیگران است. زیرا عدل و آزادی برای محیط اجتماعی بشرو برای روح بشر به منزله ی هواست برای تنفس ریه. عالم در علم خود و مکتشف در اکتشاف خود و مربی و معلم اخلاق در تعلیمات خود و حکیم و فیلسوف در حکمت و فلسفه خود مدیون و مدهون شهدا هستند و شهدا در کار خود مدیون کسی نیستند. زیرا شهدا بودند که محیط آزاده دیگران دادند تا آنها توانستند نبوغ خود را ظاهر کنند. شهدا شمع محفل بشریتند سوختند و محفل بشریت را روشن کردند». (مطهری، ۱۳۸۸: ص ۲۴)

فهرست منابع:

- الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۸). **قرآن کریم**. چ اول. قم: نشتا.
- ایازی، محمدعلی. (۱۳۸۴). **تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی** ج ۲. تهران: نشرعروج.
- صدر، سیدرضا. (۱۳۸۵). **پیشوای شهیدان**. قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سازمان بسیج طلاب و روحانیون. (۱۳۸۷). **سیفران نور**. چ اول. تهران: بینا.
- مردانی نوکنده، محمدحسین. (۱۳۸۴). **مهدویت و شهادت**. چ اول. تهران: شاهد.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸). **حماسه حسینی**. چ چهل و هشت. بیجا: مؤسسه چاپ فجر انتشارات صدرا.